

ملالی جويا، ۲ اسد ۱۳۹۴



مدتهاست شایعاتی به گویشم می‌رسد که گویا ملالی جويا در کانادا یا آسترالیا یا آلمان پناهندي گرفته کشوریش را ترک گفته است. این شایعات مرا به یاد تبلیغاتی می‌اندازد که بعد از صحبت‌های افشاگرانه‌ام در لویه جرگه قانون اساسی در سال ۲۰۰۳ توسط دشمنان و مخالفان به راه انداخته شده بود تا طوری وانمود سازند که سخنان ریک و صریح من به خاطر گرفتن پناهندي و رسیدن به غرب است و نه همدردی واقعی با ملت ستمکش شده‌ام.

چنانچه بارها این شایعات را رد کرده اعلان می‌کنم که به هیچ کشوری تقاضای پناهندي نکرده در افغانستان بسر می‌برم البته به دعوت سازمان‌ها و افراد مدافع حقوق بشر و عدالت هرچندگاهی به کشورهای مختلف برای سخنرانی و دادن آگاهی از وضعیت ابتر افغانستان و سیاست‌های غارتگرانه دول غربی به مردم این کشورها سفرهایی داشته‌ام. من بار دیگر تاکید می‌کنم که هرگز عرصه را برای خاینان و وطنفروشان رها نکرده و تا آخرین رمق در کنار مردم دردیده و زجرکش شده‌ام فرار نخواهم داشت، مردمی که آنان را دوست دارم و به خاطر بهروزی شان حاضریم حتی زندگی‌ام را فدا سازم. من همیشه آنانی را محکوم کرده‌ام که علیه خاینان ملی تند گفتند اما زود سرد و خاموش شده فرار کردند. من اینگونه پناهندي گرفتن و فرار از کشور را تزویر و خیانت می‌دانم و هیچگاهی به این ابتدال تن نخواهم

داد.

در هر کشور دارای دولت استبدادی و پویشالی، مبارزان جدی راه آزادی و عدالت مجبور به اختیار کردن زندگی مخفی و نیمه مخفی اند، من نیز طی چند سال گذشته مجبور گردیده‌ام که فعالیت‌هایم را به دور از چشم دشمنانی که فقط با زبان گلوله سخن می‌گویند مخفیانه به پیش برم. من زندگی را دوست دارم و می‌خواهم دوشادوش رزمندگان راه استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت تا آخر و در هر سطح ممکن برزم تا شاهد یک افغانستان مستقل، آباد و شگوفاً باشم. اما به هیچ قیمتی حاضر نیستم که ادامه حیاتم وابسته به گوشه‌نشینی، معامله‌گری و یا سازشکاری باشد، چون مرگ را بر اینگونه زندگی مملو از سرافکندگی ترجیح می‌دهم.

برای من دردآور است که می‌بینم جمعی از جوانان ما برای فرار از سیه‌روزی و رسیدن به غرب با چه تحقیر و توهین‌هایی مواجه می‌شوند. پیامم به نسل جوان اینست که این کشور غرق فاجعه‌ها که از هرسو لاشخواران داخلی و خارجی بر جسم نحیفش حمله‌آور شده‌اند، مربوط من و دوست و فقط با مبارزه و ایستادگی می‌توانیم مادروطن خود را نجات دهیم. پس باید با قبول فنشارها و دردها کوشید کاری برای خلک و مردم خود کرد تا اینکه به آسانی آنان را به دست سرنویشت و وحشت سپرده تسلیم شد.

در خاتمه یکبار دیگر به مردم مظلوم و ستمدیده خویش تعهد می‌سپارم که همواره در کنار شما بوده چنانچه تا امروز میدان مبارزه را رها نکرده‌ام بعد از این هم آرام نخواهم نشست و سکوت و فرار از مبارزه را معادل مرگ سیاسی می‌پندارم.